

تجزیه و تحلیل چالش‌های توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی

کشاورزی استان مازندران

فاطمه کاظمی^{*}، عبدالله موموندی^۲

آموخته دکتری ترویج و آموزش کشاورزی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران^۱ دانش

F_kazemi_87@yahoo.com

آموخته دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران. دانش

abdollahmomvandi@yahoo.com

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تجزیه و تحلیل چالش‌های توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان مازندران انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه اعضای شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای کشاورزی در استان مازندران است ($N=1221$) که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۵۴ نفر به عنوان نمونه و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب تعیین شدند. تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت، کمی و به لحاظ هدف، کاربردی و به روش توصیفی انجام شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده گردید که روایی آن توسط پانل متخصصان بررسی و تأیید شد و پایایی آن به وسیله آلفای کرونباخ ۸۵ درصد به دست آمده است. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و گردآوری داده‌ها از نرم‌افزار SPSS به منظور تحلیل داده‌ها، بر اساس تکنیک تحلیل عاملی از نوع اکتشافی بهره گرفته شد. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، چالش‌های توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان مازندران در ۵ عامل سیاست‌گذاری، آموزشی، روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته‌اند که در مجموع این عوامل ۶۰/۰۳ درصد واریانس کل توسعه کارآفرینی را تبیین نمودند.

واژگان کلیدی: چالش‌های توسعه کارآفرینی، شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی، اعضای شرکت‌ها، استان مازندران

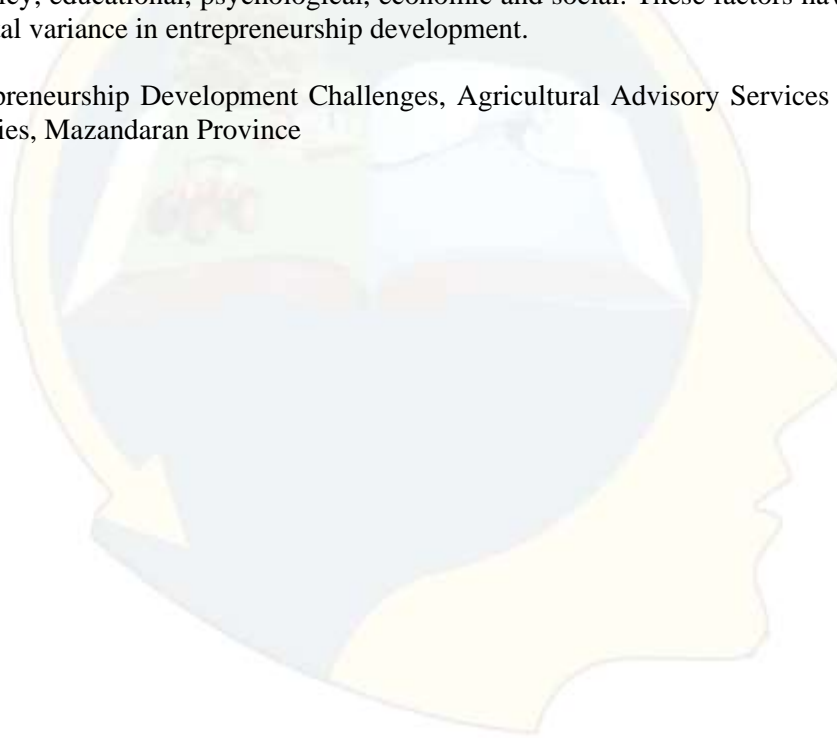
^۱ نویسنده مسئول: فاطمه کاظمی - استان مازندران، ساری، خیابان ۱۸ دی، کوچه شهید خرازی، کوچه کلبادی، پلاک ۳۱، کد پستی: ۴۸۱۸۶-۹۹۹۷۱
تلفن ثابت: ۰۱۱-۳۳۳۲۶۶۶۹ و همراه: ۰۹۱۱۳۵۳۹۱

Analysis of Entrepreneurship Development Challenges in Agricultural Advisory Services Companies in Mazandaran Province

Abstract

The aim of this study was to analysis of entrepreneurship development challenges in agricultural advisory services companies in Mazandaran province. The statistical population was all members of agricultural advisory services companies in Mazandaran province (N=1221) which sample size was determined by using Cochran formula (n=154) via stratified random sampling method. This research is quantitative in natural, in terms of goal is applied research and in terms of method is descriptive. The instrument to collect the data was questionnaire and its validity of questionnaire was confirmed by panel of experts and its reliability was measured through Cronbach's alpha (0.85). After completing the questionnaires and collecting data, SPSS software was used to analyze the data based on exploratory factor analysis technique. Based on the results of factor analysis, the entrepreneurship development challenges in agricultural advisory services companies in Mazandaran province was classified in 5 factors namely: policy, educational, psychological, economic and social. These factors have explained 60/03 percent of total variance in entrepreneurship development.

Key words: Entrepreneurship Development Challenges, Agricultural Advisory Services Companies, Members' Companies, Mazandaran Province



مقدمه

بخش کشاورزی یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی کشور به شمار می‌رود که درصد قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته بخش کشاورزی به عنوان یک بخش بالنده موجب رشد و تعالی سایر بخش‌ها و به حرکت در آمدن کل اقتصاد گردیده است (احمدپور داریانی و همکاران، ۱۳۹۰). این در حالی است که بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه طی سال‌های اخیر همواره با مشکلات و چالش‌های متعددی مانند: رشد جمعیت، فشار فزاینده جهت تولید غذای کافی برای آن‌ها، عدم دسترسی کشاورزان به دانش و فناوری‌های نوین، کارایی پایین سازمان‌ها و نهادهای دولتی هم‌چون ترویج کشاورزی در انتقال دانش و اطلاعات جدید به کشاورزان و ... مواجه بوده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰). علاوه بر موارد ذکر شده کشور ایران با مشکلاتی هم‌چون عدم بهبود در اقتصاد، تعداد بیش از حد فارغ‌التحصیلان، سیاست‌های دولت به منظور کوچک سازی ساختار نیز مواجه بوده است (Karimi et al., 2010). حال با در نظر گرفتن این رشد جمعیت در طول سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۹ و ورود این جمعیت به دهه اول قرن ۲۱، فقدان پیشرفت در اقتصاد کشاورزی، توسعه نامناسب آموزش عالی در کشاورزی و سایر مشکلات ذکر شده، ایران با یک بحران شدید در بیکاری فارغ‌التحصیلان کشاورزی در دهه اول قرن ۲۱ مواجه شده است (Azizi et al., 2010). اگر با پدیده افزایش تعداد بیکاران از ابتدا و به صورت ریشه‌ای مقابله نگردد بحران‌های بزرگ و غیر قابل جبرانی ایجاد خواهد شد. واقعیت مهمی که در این زمینه مطرح است این که چون کاهش تصدی‌گری بخش دولتی، مورد تأکید برنامه توسعه است، لذا استخدام جوانان در دستگاه‌های دولتی همچون سال‌های گذشته، امکان‌پذیر نیست و لاجرم جوانان بایستی در بخش‌های تعاونی و خصوصی در جستجوی کار و فعالیت باشند (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۰). به عبارتی دیگر، جامعه در حال تغییر امروزی تقاضاهای جدیدی دارد که توانایی تغییر و تجدیدنظر در آن یک عنصر ضروری به نظر می‌رسد و می‌باید توانایی رویارویی با این مشکلات و چالش‌ها جزء مهارت‌های اساسی افراد جامعه باشد (غیاثوند غیائی و فرج آله حسینی، ۱۳۹۰). این مشکلات آنها را مجبور به یافتن راه‌حلی برای مشکل بیکاری فارغ‌التحصیلان، آماده سازی و جایگزینی برای بازار کار و فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای یادگیری می‌کند. تمامی این مشکلات و بحران‌ها سبب توجه بیشتر به کارآفرینی به عنوان یک مسئله اساسی در سال‌های اخیر گردیده است (Karimi et al., 2010).

یکی از مهمترین برنامه‌هایی که در کشورهای مختلف با هدف اصلی کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی انجام شده است، راه اندازی بنگاه‌های تجاری کشاورزی می‌باشد که در ایران نیز تشکیل این بنگاه‌ها در قالب شبکه‌های خصوصی خدمات مشاوره ای، فنی و مهندسی کشاورزی به طور جدی از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ با حمایت وزارت جهاد کشاورزی شروع شد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰). این شرکت‌ها، به عنوان یک نظام حقوقی مستقل عمل می‌کند و شامل مجموعه ارگانیکی از عناصر انسانی و فیزیکی و امکانات ارتباطی است که ساختاری را برای انتقال دانش فنی و تبادل اطلاعات دوسویه بین کشاورزان و ارائه خدمات نهادهای، مشاوره‌ای و فنی مهندسی مورد نیاز کشاورزان فراهم می‌کند (احمدپور داریانی و همکاران، ۱۳۹۰). خدمات مشاوره‌ای (ترویجی) کشاورزی مدتی طولانی است که به عنوان یک عامل مهم در توسعه کشاورزی شناخته شده است. شرایط خدمات مشاوره کشاورزی و ترویج کشاورزی اشاره به مجموعه‌ای از سازمان‌ها دارد که افراد درگیر در تولید محصولات کشاورزی را برای حل مشکلات و کسب اطلاعات، مهارت‌ها و فناوری‌ها به منظور معیشت آنها حمایت می‌کنند. این خدمات توسط ترویج کشاورزی ارائه می‌شود (Anderson, 2007). طرح شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای کشاورزی به دنبال این است، شرایطی را فراهم کند که فارغ‌التحصیلان و کارشناسان بتوانند در مزرعه، در دهستان و در کنار کشاورز حضور پیدا کنند و این اتفاق بدین معنی می‌باشد که قصد این است از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها استفاده شود و محدودیت وجود نیروی کارشناس در عرصه جبران گردد (سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۳۸۶). از موارد بسیار حائز اهمیت درباره اهمیت این برنامه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

ایجاد اشتغال: تعدادی از فارغ‌التحصیلان کشاورزی دور هم جمع می‌شوند؛ به صورت مستقل شرکتی را به صورت تعاونی یا سهامی به ثبت می‌رسانند و آنگاه به ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای بخش کشاورزی می‌پردازند که این خدمات عبارت است از کلیه خدمات اجرایی

در زمینه‌های کشاورزی نظیر: گیاه‌پزشکی، مکانیزاسیون، تأمین و توزیع نهاده‌های کشاورزی، خدمات مالی و بیمه محصولات کشاورزی و اجتماعی روستائیان.

کاهش بیکاری: اهمیت توسعه شرکت‌های خدمات مشاوره کشاورزی زمانی نمود پیدا می‌کند که بالا بودن نرخ بیکاری جوانان دانش‌آموخته در بخش کشاورزی استان در رشته‌های مختلف هر ساله در حال افزایش است. تشکیل شرکت‌هایی متشکل از دانش‌آموختگان بخش کشاورزی در سطح استان علاوه بر ایجاد اشتغال مولد در این بخش، فرصت کافی برای برنامه ریزی و نظارت سازمان جهاد کشاورزی استان را فراهم می‌کند.

ارتقاء سطح دانش کشاورزان: تولید کنندگان بخش کشاورزی به دلیل نداشتن اطلاعات و دانش کافی تنها با ۲۰ درصد توان خود کار می‌کنند که این امر به هیچ عنوان قابل قبول نیست ولی با ایجاد شرکت‌های خدمات مشاوره کشاورزی، امروزه زمینه بهره‌گیری از اطلاعات و دانش روز فراهم شده تا کشاورزان بتوانند از آن به عنوان یک فرصت خوب برای گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزی مکانیزه استفاده کنند.

کاهش تصدی‌گری دولت: عبارت است از انتقال وظایف و نقش‌های دولتی و ارائه خدمات به سمت بخش خصوصی و یا به عبارتی کاستن بار دستگاه دولت در فعالیت‌ها و واگذاری هر چه سریع‌تر عوامل تولید و عملیات اجتماعی و اقتصادی به بخش خصوصی (کرباسیان، ۱۳۸۷).

بدین منوال، با توجه به نقش مهم شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی در توسعه بخش کشاورزی و روستایی در سطح کشور و ضرورت توسعه کارآفرینی در شرکت‌ها به منظور بهبود سطح کیفیت خدمات و جلب رضایت و استقبال بیشتر روستائیان، به نظر می‌رسد که از بدو تأسیس و راه‌اندازی شرکت‌ها به این موضوع به طور جدی توجه نشده و شرایط و بسترهای لازم برای توسعه کارآفرینی در شرکت‌های مذکور فراهم نشده است، به نحوی که در حال حاضر این شرکت‌ها برای توسعه کارآفرینی با مشکلات و چالش‌های متعددی در زمینه‌های مختلف سیاست‌گذاری، آموزشی، روانشناختی، اقتصادی، اجتماعی و ... مواجه هستند که استمرار چنین روندی می‌تواند موجب رکود و ایستایی و حتی به خطر افتادن پایداری و ادامه فعالیت شرکت‌ها در مناطق روستایی شود. به هر حال، در این زمینه به نظر می‌رسد اولین گام در راستای رفع موانع موجود برای توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی، طرح و انجام مطالعاتی برای شناخت و درک دقیق شرایط موجود و چالش‌ها می‌باشد تا بتوان بر اساس نتایج و یافته‌های چنین پژوهش‌هایی، راهکارها و سازوکارهای مناسبی را به منظور تسهیل و تسریع فرایند توسعه کارآفرینی در شرکت‌ها تدوین و به کار گرفت. از این‌رو، با در نظر گرفتن اهمیت و ضرورت مسأله، تحقیق حاضر با هدف اصلی تجزیه و تحلیل مشکلات و چالش‌های توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در استان مازندران طرح و انجام شد.

مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق

مطالعات گوناگونی در زمینه مشکلات، موانع و چالش‌های توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی توسط صاحب‌نظران و متخصصان به انجام رسیده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

بر اساس پژوهشی که توسط احسانی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان «موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی» انجام شد بیان می‌دارند موانع توسعه کارآفرینی در این بخش شامل موانع سیاست‌گذاری و برنامه ریزی، موانع اقتصادی، موانع فرهنگی، موانع پشتیبانی و حمایتی، موانع آموزشی و اطلاع‌رسانی و موانع زیرساختی هستند. پژوهش انجام شده توسط رضایی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «شناسایی موانع توسعه کارآفرینی شرکتی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان زنجان» بیان می‌دارد که در مجموع حدود ۶۸/۸۶ درصد واریانس موانع توسعه کارآفرینی شرکتی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان زنجان را پنج عامل ساختاری، محیطی، روان‌شناختی، مهارتی و آموزشی تبیین می‌کنند. بر اساس پژوهشی که توسط Jangchi

Kashani et al. (2015) با عنوان «تجزیه و تحلیل موانع توسعه کارآفرینی کشاورزی از دیدگاه کارآفرینان کشاورزی در استان قزوین» انجام شد دریافتند، موانع توسعه کارآفرینی عبارتند از: موانع شخصی، سازمانی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی. بر اساس نتایج پژوهش Rasouliazar et al. (2011) تحت عنوان «بررسی اثربخشی مؤلفه‌های محدود کننده شرکت‌های خدمات مشاوره کشاورزی در ایران» با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، موانع در چهار دسته طبقه‌بندی شدند، از جمله زیرساخت‌ها، سیاست‌گذاری، اجتماعی- فرهنگی و مالی. بر اساس پژوهشی که توسط Ghiasvand Ghiasy (2011) تحت عنوان «تحلیل عاملی موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های کشاورزی ایران» انجام گرفت بر اساس نظرات پاسخ دهندگان و تحلیل عاملی، عوامل در هفت گروه به نام‌های عوامل اطلاعاتی، فنی، بازاریابی، ساختاری، مدیریتی، نظارتی و مالی طبقه‌بندی شدند که بر اساس دامنه و شدت اثراشان مرتب شده‌اند. تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان داد که موانع مالی، فنی، اطلاعاتی و نظارتی بر روی تعدادی از اعضای در تعاونی‌های کشاورزی اثراتی داشت. همچنین تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان داد که موانع اطلاعاتی، مالی و فنی بر روی تعدادی از شرکت‌های کوچک در تعاونی‌های کشاورزی اثراتی داشته است. پژوهش انجام شده توسط Kadlubek (2016) با عنوان «موانع توسعه کارآفرینی در مدیریت مناطق برگزیده لهستان» بیان می‌دارد موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه کشاورزان و مقامات عبارت از موانع روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، زیرساختی و دولت محلی می‌باشد. بر اساس پژوهشی که توسط حسینی و همکاران (۱۳۸۹) تحت عنوان «شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد استان تهران» انجام گرفت نتایج حاصل گردید: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فقدان یا کمبود حمایت دولتی از مشاغل کشاورزی مهمترین مانع برای اشتغال فارغ‌التحصیلان در بخش کشاورزی است. ضمن اینکه تحلیل عاملی موانع کارآفرینی در دانشگاه‌ها به دسته بندی این موانع در پنج عامل اصلی منجر شد که این عوامل در مجموع ۶۱/۶ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. مهمترین عامل شناخته شده در این پژوهش عامل پشتیبانی می‌باشد که به تنهایی ۱۷/۸ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این عامل دربرگیرنده موانعی مثل کمبود امکانات، تجهیزات و زمین‌های کشاورزی برای کار عملی، کمبود وسایل آموزشی و کمک آموزشی و نیز کمبود امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی بوده است. پس از این عامل به ترتیب عوامل آموزشی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و عامل انسانی بیشترین مقدار واریانس کل را تبیین نموده‌اند. نتایج پژوهش Nawaser et al. (2011) تحت عنوان «موانع انگیزشی و قانونی توسعه کارآفرینی» بیان می‌دارد: عامل خطر مالی و ترس از ناتوانی در مدیریت کسب و کار از عوامل الویت اول و آخر در میان عوامل انگیزشی می‌باشند. همچنین، عامل قوانین و مقررات بانک (نرخ بهره بانکی، مدارک و شرایط مورد نیاز برای دریافت تسهیلات بانک) و قوانین و مقررات محیطی از عوامل الویت اول و آخر تأثیرگذار قانونی و اثرگذار بر روی عدم توسعه کارآفرینی در ایران می‌باشند.

روش شناسایی

تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت، کمی و به لحاظ هدف، کاربردی و به روش توصیفی انجام شد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه اعضای شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان مازندران می‌باشد که بر اساس فرمول کوکران، ۱۵۴ نفر به عنوان نمونه توسط روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به انتساب متناسب انتخاب شده‌اند. جدول (۱) تعداد اعضای شرکت‌ها در هر شهرستان و تعداد نمونه اختصاص یافته به هر شهرستان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: تعداد اعضاء و نمونه شرکت‌های منتخب در شهرستان‌های برگزیده (n=۱۵۴)

ردیف	نام شهرستان	تعداد اعضاء	تعداد نمونه
۱	بهشهر	۸۲	۱۳
۲	نکاء	۷۱	۱۲
۳	ساری	۱۵۶	۲۵
۴	قائم‌شهر	۱۳۴	۲۱
۵	بابل	۱۹۹	۳۱
۶	آمل	۱۳۵	۲۲
۷	محمودآباد	۶۲	۱۰
۸	نور	۵۲	۸
۹	تنکابن	۷۴	۱۲
۱۰	جمع	۹۶۵	۱۵۴

جهت گردآوری داده‌ها ابزار پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملاً مخالف: ۱ الی کاملاً موافق: ۵) طراحی گردید. روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان اصلاح و تأیید شد. به منظور برآورد پایایی، ۳۰ پرسشنامه در قالب آزمون مقدماتی تکمیل گردید و مقدار آلفای کرنباخ محاسبه شده ۰/۸۵٪ به دست آمده است که در حد قابل قبولی می‌باشد. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS/22 و روش‌های آماری نما، میانگین، فراوانی و تحلیل عاملی استفاده شده است.

نتایج و بحث

نتایج پژوهش با توجه به اهداف، به شرح زیر ارائه می‌گردد:

هدف اول) شناسایی ویژگی‌های عمومی اعضاء شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان مازندران
بر اساس اطلاعات گردآوری شده اکثریت پاسخ‌دهندگان (۶۵ درصد) را مردان تشکیل می‌دهند و میانگین سنی حدود ۳۲ سال به دست آمده که نشان‌دهنده جوان بودن جامعه آماری است. تحصیلات اکثریت آن‌ها (۷۵/۳ درصد) لیسانس و حدود ۲۳ درصد افراد دارای فوق لیسانس می‌باشند. همچنین میانگین سابقه فعالیت کشاورزی اعضاء شرکت‌ها ۷ سال به دست آمده است.

هدف دوم) شناسایی چالش‌های توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان مازندران
مرور مطالعات قبلی، ۲۱ چالش را در زمینه توسعه کارآفرینی تعیین نمود. لذا به منظور اینکه بتوان تعداد زیادی متغیر را دسته‌بندی و نتیجه‌گیری نمود، از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. برای انجام تحلیل عاملی مقدار KMO محاسبه گردید که برابر ۰/۷۷۷ به دست آمد و از آنجا که بالاتر از ۰/۷ است نشان می‌دهد وضعیت داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب است. مقدار آماره بارتلت نیز در سطح ۱ درصد معنادار شده است. بنابراین داده‌ها در کل برای انجام تحلیل عاملی مناسب بودند.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی در جدول ۲ ذکر شده است. در این پژوهش چالش‌های مربوط به توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در ۵ دسته قرار گرفته‌اند که می‌تواند مدل مناسبی برای تحلیل عاملی باشد. مقدار ویژه، بیان‌گر سهم هر عامل از کل واریانس متغیرها می‌باشد. هر چه مقدار آن بزرگتر باشد، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر بیشتر آن عامل است. عامل اول بیشترین

سهم (۱۷/۴۷۹) و عامل پنجم کمترین سهم (۷/۰۷۱) را در تبیین کل متغیرها دارد و در مجموع ۵ عامل مذکور توانسته‌اند ۶۰/۰۳۱ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین نمایند.

جدول ۲: تعداد عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و فراوانی تجمعی درصد واریانس

ردیف	نام عامل (چالش)	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
۱	سیاست‌گذاری	۳/۳۲۱	۱۷/۴۷۹	۱۷/۴۷۹
۲	آموزشی	۲/۶۴۰	۱۳/۸۹۶	۳۱/۳۷۵
۳	روان‌شناختی	۲/۵۵۷	۱۳/۴۵۸	۴۴/۸۳۳
۴	اقتصادی	۱/۵۴۴	۸/۱۲۷	۵۲/۹۶۰
۵	اجتماعی	۱/۳۴۳	۷/۰۷۱	۶۰/۰۳۱

منبع: یافته‌های تحقیق

برای تشخیص اینکه چه متغیرهایی به چه عاملی تعلق دارند، چرخش عاملی به روش متعامد (واریماکس) انجام شد. در ماتریس به دست آمده، هر متغیری که بار بیشتری بر یک عامل داشته باشد، بدان تعلق می‌گیرد. بر اساس نتایج، هر یک از عوامل استخراج شده دارای متغیرهای زیر هستند.

متغیرهایی که در عامل اول قرار گرفته‌اند بدین شرح می‌باشند: فقدان یا کمبود حمایت دولتی از مشاغل کشاورزی، ناشناخته بودن مفهوم کارآفرینی برای سیاست‌گذاران دولتی، دولتی بودن اقتصاد، نگرانی‌های بخش خصوصی از قانون کار، دشواری مقررات در اخذ وام‌های بانکی، بی‌ثباتی در سیاست‌های دولت، عدم توجه لازم به کارآفرینی در سیاست‌گذاری‌های کلان. بررسی این متغیرها نشان می‌دهد که کلیه آن‌ها به برنامه‌ریزی‌های دولت و سیاست مربوط می‌باشند و لذا تحت عنوان «عامل سیاست‌گذاری» نامیده شده‌اند. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد عامل سیاست‌گذاری در الویت نخست قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، بسیاری از مسائلی که توسعه کارآفرینی در شرکت‌های مورد مطالعه را با چالش مواجه ساخته مرتبط با موارد سیاست‌گذاری و دولتی می‌باشد که تأثیر این دسته از عوامل را می‌توان در سازمان‌ها و تشکلهای دیگر در سایر زمینه‌ها نیز به خوبی مشاهده کرد. فقدان یا کمبود حمایت دولتی از مشاغل کشاورزی، ناشناخته بودن مفهوم کارآفرینی برای سیاست‌گذاران دولتی، دولتی بودن اقتصاد، بی‌ثباتی در سیاست‌های دولت و عدم توجه به کارآفرینی در سیاست‌گذاری‌های کلان از موارد عامل سیاست‌گذاری به عنوان چالش‌های فراروی توسعه کارآفرینی در شرکت‌های مورد مطالعه به شمار می‌روند. این عدم توجه به بخش کشاورزی از سوی دولت سبب سیر نزولی مشاغل کشاورزی و همچنین مشاغل وابسته به آن و سایر متعلقات با این عرصه شده است. این در حالی است که زمینه‌ساز بسترهای لازم برای رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه افزایش تولیدات در بخش کشاورزی می‌باشد. همچنین وجود نگرانی‌های بخش خصوصی از قانون کار و دشواری مقررات در اخذ وام‌های بانکی از موارد دیگر بروز چالش در توسعه کارآفرینی می‌باشد. توجه به سوابق قانون کار مؤید این مطلب است که بسیاری از ظرفیت‌های قانون کار مغفول مانده و اجرا نشده است و بسیاری از مواد این قانون، از همان ابتدا به دلیل سوء برداشت‌ها اجرایی نشده است. لذا وجود نگرانی از سوی بخش خصوصی نسبت به قانون کار قابل تأمل و درک می‌باشد. همچنین دریافت وام در کشور ما با مشکلات عدیده‌ای همراه است که از سال‌ها قبل در حال تکرار می‌باشد و متقاضیان بایستی شرایط دشواری را برای رسیدن به وام طی کنند. نتایج این بخش از تحقیق با نتایج پژوهش احسانی‌فر و همکاران (۱۳۹۵)، حسینی و همکاران (۱۳۸۹)، Rasouliazar et al. (2011) و Nawaser (2011) همسو می‌باشد. متغیرهایی که در عامل دوم قرار گرفته‌اند، عبارت از: سستی بودن بخش کشاورزی و عدم هم‌خوانی با فناوری‌های روز دنیا، کاربردی نبودن و عدم تناسب محتوای دوره‌های آموزشی ارائه شده مربوط به کارآفرینی، نبود نشریات تخصصی و متناسب با زمینه کارآفرینی در بخش کشاورزی، نبود برنامه‌های مناسب به منظور معرفی کارآفرینان می‌باشند. بررسی متغیرهای فوق نشان می‌دهد که آن‌ها به آموزش، آگاهی و

1. Varimax



اطلاع‌رسانی مربوط هستند. از همین رو «عامل آموزشی» نام‌گذاری شده‌اند. همان گونه که نتایج نشان می‌دهد یکی دیگر از چالش‌های توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی مورد مطالعه مربوط به عامل آموزشی می‌باشد. در این زمینه می‌توان بیان داشت که یکی از مهم‌ترین معضلات بخش کشاورزی کشور نبودن شرایط مناسب برای ورود دانش و فناوری‌های جدید و روز دنیا می‌باشد و به همین دلیل اقدامات و بهره‌برداری بخش کشاورزی همچنان سنتی است، در حال که لازمه کارآفرینی به روز بودن و یادگیری مهارت‌های جدید می‌باشد. همچنین سنتی بودن کشاورزی سبب آسیب جدی به منابع پایه اعم از آب و خاک شده است. افزون بر این نبود دوره‌های آموزشی مناسب، نبود نشریات تخصصی در این زمینه و معرفی نشدن کارآفرینان موفق از موارد دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. بدون تردید، یکی از دلایل عمده این مسأله آن است که در کشور ما در زمینه آموزش و ترویج کارآفرینی در خصوص کشاورزی، کوشش ویژه‌ای انجام نشده، چه بسا که در رشته‌های کشاورزی دروس خاصی به منظور آموزش مهارت‌های کارآفرینی وجود ندارد و در بسیاری موارد دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی آشنایی کمی با مفاهیم مربوط به کارآفرینی دارند. گذشته از این در شرکت‌های مذکور نیز توجهی چندانی به آموزش افراد به ویژه در حوزه کارآفرینی نمی‌شود و برنامه راهبردی و مشخصی در این حیطه ندارند. یافته‌های این بخش از پژوهش توسط تحقیقات احسانی‌فر و همکاران (۱۳۹۵)، رضایی و همکاران (۱۳۹۰)، حسینی و همکاران (۱۳۸۹) و Ghiasvand Ghiasy (2011) تأیید شده است.

متغیرهایی که در عامل سوم قرار گرفتند بدین شرح‌اند: پایین بودن قدرت نوآوری و خلاقیت در اعضا، عدم علاقه و انگیزه نسبت به مشاغل کشاورزی در بین اعضا، فقدان روحیه کارآفرینی بین اعضا و فقدان اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری در اعضا. بررسی متغیرهای ذکر شده نشان می‌دهد که آن‌ها به نوعی با روحیات متفاوت افراد گوناگون مربوط است. لذا این عامل تحت عنوان «عامل روان‌شناختی» نام‌گذاری شده است و در مطالعات مختلف اعم از رضایی و همکاران (۱۳۹۰)، Kadlubek (2016) و Nawaser (2011) مورد تأیید قرار گرفته است. آنچه مسلم است گویه‌های عامل روان‌شناختی به طور مستقیم در ارتباط با اعضا شرکت‌ها و ویژگی‌های رفتاری آنان می‌باشد. در این زمینه به طور مشخص اعضا شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای قدرت نوآوری و خلاقیت پایینی دارند، در حالی که نوآوری و خلاقیت از ویژگی‌های مهم و جدا ناپذیر افراد و سازمان‌های کارآفرینی می‌باشد و فرد کارآفرین به منظور شکل دادن به ایده‌های خود بایستی خلاقانه عمل نماید. همچنین عدم علاقه و انگیزه کافی به مشاغل کشاورزی و فقدان روحیه کارآفرینی از موارد دیگری است که در این زمینه بدان اشاره شده است. به طور قطع علاقه‌مندی افراد به حرفه تأثیر چشمگیر و غیرقابل توصیفی بر موفقیت شغلی دارد و افراد دارای انگیزه هیچ‌گاه صحنه‌های رقابتی را ترک نمی‌کنند در حالی که این ویژگی در اعضا ضعیف می‌باشد و در چنین فضایی میزان اعتماد به نفس افراد تا حد زیادی کاهش یافته و دستیابی به اهداف و موفقیت مقدر نخواهد بود که این مسأله در مورد شرکت‌های مورد مطالعه تا حدود زیادی صدق می‌کند.

متغیرهایی که در عامل چهارم قرار گرفته‌اند، عبارت از: حمایت بانک‌ها فقط از شرکت‌های خاص و عدم حمایت از صنایع کوچک، قیمت بالای امکانات و تجهیزات کشاورزی برای فعالیت‌های کشاورزی و کمبود نقدینگی و سرمایه کافی می‌باشند. بررسی متغیرهای ذکر شده نشان دهنده این است که این متغیرها اشاره به مسائل اقتصادی دارد، لذا به عنوان «عامل اقتصادی» نامیده شده است. با توجه به وجود چالش اقتصادی، حتی اگر سایر موارد مانند: چالش سیاست‌گذاری، آموزشی، روان‌شناختی، اجتماعی و ... رفع گردد و شرکت‌های مذکور اعضا بسیار فعال و با انگیزه‌ای هم داشته باشند، نمی‌توانند بر مشکلات فائق آیند. چرا که به منظور توسعه کارآفرینی بایستی نیازهای مالی و اعتباری که از پیش شرط‌های اصلی گسترش کسب و کار و کارآفرینی می‌باشد، فراهم گردد. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی شرکت‌های مورد مطالعه، مربوط به عدم حمایت بانک‌ها، دسترسی سخت به امکانات و تجهیزات کشاورزی به دلیل قیمت بالای آن‌ها و کمبود نقدینگی و سرمایه کافی می‌باشد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج تحقیقات احسانی‌فر و همکاران (۱۳۹۵)، Kadlubek (2016)، Jangchi Kashani et al. (2015)، Rasouliazar et al. (2011)، Ghiasvand Ghiasy (2011) و Nawaser (2011) همسو می‌باشد.



متغیرهایی که در عامل پنجم قرار گرفته‌اند، بدین شرح‌اند: عدم مشارکت اعضای شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای کشاورزی در فعالیت‌های اجتماعی، بی‌سوادی کشاورزان و وجود فرهنگ واسطه‌گری و دلالتی. بررسی این متغیرها بیانگر ارتباط میان آن‌ها و مسائل مرتبط با جامعه و اجتماع می‌باشد. از همین رو به عنوان «عامل اجتماعی» نام‌گذاری شده‌اند. این بخش از نتایج پژوهش توسط نتایج تحقیقات Kadlubek (2016)، Jangchi Kashani et al. (2015) و Rasouliazar et al. (2011) تأیید شده است. عامل اجتماعی که به عنوان آخرین چالش در این پژوهش به دست آمده است، اشاره به ضعف مشارکت اعضای در فعالیت‌های اجتماعی دارد، در حالی که یکی از ویژگی‌های بارز و اصلی در سازمان‌های کارآفرین، همکاری و مشارکت در به انجام رساندن مقاصد است. از سوی دیگر بی‌سوادی و کم‌سوادی کشاورزان به عنوان مخاطبان اصلی شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی سبب بروز مشکلاتی می‌شود، اعم از اینکه ایجاد فهم مشترک بین کارشناسان شرکت‌ها و بهره‌برداران، استفاده از یافته‌های نوین و پذیرش نوآوری‌ها بسیار دشوار و با زحمت همراه می‌گردد. و دیگر اینکه برای جامعه‌ای به مثابه جامعه ما، شایسته نیست رونق واسطه‌گری و دلالتی از کارآفرینی بیشتر باشد، چرا که حاکمیت واسطه‌گری و دلالتی از یک سو متضرر شدن کشاورز را در پی دارد و از سوی دیگر کارآفرینی و تولید را به مخاطره می‌اندازد. از همین رو در بسیاری از پژوهش‌ها، دلالتی را از موانع و چالش‌های مهم کارآفرینی و درآمدزایی برمی‌شمارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در حال حاضر کارآفرینی نه به عنوان تنها راه‌حل، ولی شاید به عنوان یکی از منحصر به فردترین راه‌حل‌های ممکن، برای رسیدن به توسعه و رفع مشکلات بخش کشاورزی باشد و چنانچه کارآفرینی در بخش کشاورزی مورد توجه و حمایت قرار نگیرد، نه تنها مشکلات حل نخواهد شد، بلکه با گذشت زمان بیشتر هم می‌شود (احسانی‌فر و همکاران). از طرفی با توجه به این موضوع که یکی از راه‌کارهای مهم به منظور توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی، حضور هر چه بیشتر بخش خصوصی می‌باشد و به منظور کاهش مشکلات گریبان‌گیر بخش کشاورزی و افزایش بهره‌روی در این بخش و در راستای واگذاری امور به بخش خصوصی و کوچک‌سازی دولت، ایجاد و استقرار شبکه غیردولتی خدمات و مشاوره فنی و مهندسی کشاورزی در سطح کشور در عرصه‌های تولید به منظور ارائه خدمات ترویجی، آموزشی، فنی و اجرایی در راستای کاهش تصدی‌گری دولت، ارتقاء سطح کمی و کیفی تولیدات کشاورزی، ایجاد زمینه اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی، بهره‌مندی هر چه بیشتر کشاورزان از علوم و فنون کشاورزی، ایجاد تحول در ترویج یافته‌های علمی و ارائه خدمات متناسب با نیاز کشاورزان، افزایش پوشش خدمات ترویج کشاورزی برای تولیدکنندگان و بهره‌برداران، افزایش توان پاسخ‌گویی دولت به بهره‌برداران و تولیدکنندگان بخش کشاورزی و غیره به اجرا گذاشته شد (احمدپور دریانی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین بایستی از توانایی و قابلیت شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی بهره‌جست، چرا که یکی از مقاصد طرح شرکت‌های خدمات مشاوره فراهم آوردن شرایطی است که فارغ‌التحصیلان و کارشناسان کشاورزی، در مزارع و همراه با کشاورزان باشند و این عمل نه تنها استفاده و به‌کارگیری از نیروی کار متخصص را به دنبال دارد، بلکه سبب دسترسی سریع‌تر و بهتر کشاورزان به کارشناسان می‌گردد.

به واقع، کارآفرینی از عناصر توسعه پایدار کشاورزی به شمار می‌رود و لازم است کنش‌گران و کارگزاران امر، از جمله شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی، تلاشی هدفمند، برنامه‌ریزی شده و راهبردی را برای رفع موانع و چالش‌ها و تسهیل توسعه کارآفرینی در چارچوب نظام دانش، اطلاعات و فناوری کشاورزی به انجام رسانند که این مهم از طریق سازوکارهای مختلفی می‌تواند پیگیری شود. لذا با توجه به نقش مهم شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در پیشبرد اهداف بخش کشاورزی، توسعه و تقویت کارآفرینی در این شرکت‌ها می‌تواند سبب بهبود عملکرد آن‌ها و در نتیجه رشد و توسعه کشاورزی گردد.

جای بسی امیدواری است که در چند دهه اخیر از اهمیت و ضرورت کارآفرینی در سازمان‌ها و تشکلهای درک صحیح و درستی به وجود آمده است، اما هنوز هم بسیاری از آن‌ها از چالش‌ها و موانع توسعه کارآفرینی رنج می‌برند و واضح است که بر سر راه کارآفرینی کارآفرینان در کشور به طور عام و در بخش کشاورزی به طور خاص موانعی وجود دارد. بی‌تردید می‌توان گفت که از مهم‌ترین ملزومات توسعه کارآفرینی در تشکلهای توجه به چالش‌ها و موانع توسعه کارآفرینی می‌باشد که در قدم اول، بایستی مورد شناسایی و در ادامه تعدیل، کنترل

و یا حذف گردند و هر گونه کوتاهی در این زمینه، فرآیند توسعه کارآفرینی را به تأخیر می‌اندازد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر بیان می‌دارد، چالش‌های توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان مازندران به ترتیب در ۵ عامل سیاست‌گذاری، آموزشی، روانشناختی، اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته‌اند که در قسمت نتایج و بحث به تفصیل بدان پرداخته شده است. با توجه به موانع پیش‌رو، پیشنهادهایی جهت رفع چالش‌ها و تسهیل توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی ارائه می‌گردد:

- اصلاح قوانین و سیاست‌های دولتی، مانند: اتخاذ سیاست‌هایی هم‌چون الویت‌بخشی به کشاورزی در برنامه‌ریزی‌های توسعه
- تدوین استراتژی‌های کارآفرینی و تدوین اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت کارآفرینی در بخش کشاورزی
- ایجاد شرایط مناسب و تسهیلات لازم توسط بخش دولتی به خصوص در ابتدای فعالیت‌ها و اقدامات کارآفرینانه شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی به منظور جلب مشارکت آن‌ها
- آموزش و ترویج صحیح کارآفرینی در سطوح مختلف توسط افراد مجرب
- برگزاری نمایشگاه‌های دستاوردهای کارآفرینانه کشاورزی در سطوح مختلف (محلی، منطقه‌ای، استانی و کشوری) به منظور معرفی افراد کارآفرین و موفقیت آنان در این زمینه
- بازدید از شرکت‌های خدمات مشاوره کشاورزی موفق در زمینه کارآفرینی جهت ایجاد علاقه و انگیزه در افراد
- فراهم نمودن حمایت‌های مادی مانند: اعطای مشوق‌های مالیاتی، وام‌های کم‌بهره برای خرید ماشین‌آلات و تجهیزات کشاورزی، بیمه محصولات و ...
- تأسیس صندوق‌های حمایت از کارآفرینان در بخش کشاورزی

تقدیر و تشکر

از کلیه اعضای شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان مازندران که با پاسخ‌گویی خود، ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، صمیمانه تشکر می‌شود.

فهرست منابع

- احسانی، فر. ت.، رستمی، ف.، نادری، ن. و رضایی، ب. (۱۳۹۵). موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. جلد سوم، شماره دوم.
- احمدپور داریانی، م.، نیکبین، ح. و کریمی، الف. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی مهندسی کشاورزی استان زنجان. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. دوره ۲-۴، شماره ۴، صص ۵۳۵-۵۴۶.
- حسینی، س. م.، حسینی، س. ج. ف. و سلیمانپور، م. ر. (۱۳۸۹). شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد استان تهران. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. دوره ۴-۲۱، شماره ۳، صص ۳۵۹-۳۶۸.
- رضایی، ر.، قلی‌فر، الف.، صفا، ل. و کاظمی تریفان، م. (۱۳۹۰). شناسایی موانع توسعه کارآفرینی شرکتی در شرکت‌های خدمات مشاوره ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان زنجان. توسعه کارآفرینی. سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۲۷-۴۶.
- سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی. (۱۳۸۶). آیین نامه اجرایی استقرار شبکه خدمات مشاوره‌ای و فنی کشاورزی و دامپزشکی کشور.
- غیاثوند غیاثی، ف. و فرج‌آله حسینی، س. ج. (۱۳۹۰). تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه اشتغال در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی ایران. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی. سال چهارم، شماره ۲، (پیاپی چهارده).
- کاظمی، ف.، فرج‌آله حسینی، س. ج. و امید نجف‌آبادی، م. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره کشاورزی استان مازندران از دیدگاه اعضاء. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- کرباسیان، پ. (۱۳۸۷). بررسی الزامات خصوصی سازی ترویج کشاورزی در شهرستان های غرب استان تهران از دیدگاه کارشناسان و مهندسان ناظر. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه ترویج و آموزش کشاورزی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

Anderson, J. R. (2007). "Agricultural Advisory Services". Retrieved from: <http://search.worldbank.org/all?qterm=Agricultural%20advisory%20services>

Azizi, B., Farajolah Hosseini, J., Hosseini, M. & Mirdamadi, M. (2010). Factors Influencing the Development of Entrepreneurial Education in Iran's Applied-Scientific Educational Centers for Agriculture. American Journal of Agricultural and Biological Sciences, 5(1): 77-83.

Ghiasvand Ghiasy, F. (2011). Factor Analysis of Barriers to Entrepreneurship Development in Iran's Agricultural Cooperatives. Proceeding of 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Kish, 16-17 April. P.77.

Jangchi Kashani, S., Mesbah, A. and Mahmoodi, S. (2015). Analysis of Barriers to Agricultural Entrepreneurship Development from the Perspective of Agricultural Entrepreneurs in Qazvin Province. Journal of Applied Environmental and Biological Sciences, 5(12): 47-55.

Kadlubek, M. (2016). Barriers to development of entrepreneurship in management of selected rural areas in Poland. World Scientific News, 57(2016): 237-246.

Karimi, S., Chizari, M., Biemans, J. A. H., & Mulder, M. (2010). Entrepreneurship Education in Iranian Higher Education: The Current State and Challenges. European Journal of Scientific Research, 48(1): 36-50. [Abstract]. Retrieved from: http://www.eurojournals.com/ejsr_48_1_04.pdf

Nawaser, K., Khaksar, S. M. S., Shakhshian, F. & Jahanshahi, A. A. (2011). Motivation and Legal Barriers of Entrepreneurship Development. International Journal of Business and Management, 6(11): 112-118. Retrieved from: www.ccsenet.org/journal/index.php/ijbm/article/download/.../8998

Rasouliazar, S., Hosseini, S. M., Hosseini, S. J. F. & Mirdamadi, S. M. (2011). Investigation Restrictions and Preventive Components Effectiveness of Agricultural Advisory Services Companies Iran. Middle-East Journal of Scientific Research, 7(3): 307-313. Retrieved from: [idosi.org/mejsr/mejsr7\(3\)11/10.pdf](http://idosi.org/mejsr/mejsr7(3)11/10.pdf)

